

نصیحت امام (ره)

واژه های مهم

نصیحت: پند و اندرز	غنیمت: قدر دانستن
بت شکن: کسی که با ظلم مبارزه می کند.	محتاج: نیازمند
قرائت: خواندن	راضی: خشنود
تعالی: بلند مرتبه	سعادت: خوشبختی
ترقی: پیشرفت	نورچشمان: کنایه از عزیز بودن

شوق خواندن

واژه های مهم

عَلامه: کسی که دانش بسیار دارد.	وجد: شور و هیجان
تنفر: بیزار بودن	اخلاص: پاکدلی
بیزاری: نفرت داشتن	همت: تلاش
شیفته: عاشق	حَرَم: داخل مکان زیارتی و مقدس
خشونت: عصبانیت	عطا: بخشش
عطش: تشنگی	گلیم: فرش
حُجره: اتاق	نصیب: بهره، قسمت

ضریح: خانه چوبی یا فلزی مُسَبَّک که قبر امام یا امامزادگان می گذارند.

🌟 کلاس درس را مثل گشت و گذار در صحرا و باغ ها دوست داشت: ← تشبیه

🌟 حرم، دل او را آرام می کرد و مدرسه اندیشه اش را.

نثر روان: حرم حس و حال مذهبی به او می داد و مایه آرامش او بود و مدرسه پاسخگوی کنجکاوی او می شد.

دانش زبانی: مُسند

به کلمه ای که قبل از فعل اسنادی در جمله می آید، مُسند می گویند. مُسند صفت یا حالتی است که به نهاد نسبت داده می شود.

مثال:

هوا تاریک شد. «تاریک»: مسند - شد: فعل اسنادی»

کودک خندان بود. «خندان»: مسند - بود: فعل اسنادی»

زندگی زیبا است. «زندگی»: مسند - است: فعل اسنادی»

بچه ها ساکت شدند. «ساکت»: مسند - شدند: فعل اسنادی»

پرنده لانه ساخت. «لانه»: مسند نیست، زیرا فعل ساخت، فعل اسنادی نیست»

یادآوری: فعل اسنادی: است، هست، نیست، بود، شد، گشت، گردید و...

روش پیدا کردن مُسند

بعد از پیدا کردن فعل اسنادی به ابتدای آن « چگونه؟ » یا « چی؟ » اضافه می کنیم؛ جواب بدست آمده، مسند است.

مثال: علامه محمد تقی شیفته طبیعت بود. ← علامه محمد تقی چگونه بود؟ ← شیفته طبیعت ← مسند

مثال: دوست خوب کیمیا است. ← دوست خوب چگونه است؟ ← کیمیا ← مسند